



## A Comparative Study of the Penal Policy of Iran, India and Pakistan in relation to the crime of acid attack

Morteza Arefi<sup>1</sup> | Keramat Mohammadi<sup>2</sup>

1. Corresponding Author: Department of Law, Faculty of Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran. Email: [m.arefi@basu.ac.ir](mailto:m.arefi@basu.ac.ir)
2. M.A. Student, Department of Law, Faculty of Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran. Email: [ehsanmohammadi1398@gmail.com](mailto:ehsanmohammadi1398@gmail.com)

### Article Info

#### Article type:

Research Article

#### Article history:

Manuscript Received:

16 April 2023

Final revision received:

3 July 2023

Accepted:

1 August 2023

Published online:

30 August 2023

#### Keywords:

*Acid Throwing,  
Criminalization,  
Penal Policy,  
Iran,  
India,  
Pakistan*

### ABSTRACT

An acid attack is one of the crimes and inhumane and violent act that leaves destructive, irreparable and long-term physical and mental effects on the victim's body and mind. Scientific combating with this behavior requires the adoption of a prudent and comprehensive criminal policy based on the components of the severity of punishment and protection of the victim. The current research, taking into account the law of intensifying the punishment of acid attack and protecting the victims of it, approved in 2018 in Iran and the criminal law of the two countries of India and Pakistan, while analyzing the material and spiritual elements of this crime, the criminal policy of Iran and these two countries regarding this crime evaluates.

Despite the innovations of Iran's new law compared to the previous law, there is still ambiguity in the physical behaviors covered by this law. Even though This is the fact that the two physical behaviors of injecting or feeding acid to another person are disputed in Iranian law, according to the penal code of the two countries of India and Pakistan, it is clearly mentioned in the category of the physical behavior of acid attack. In all three countries, the crime of acid attack is considered as a result crime. The word "acid" is defined as a means of committing a crime in two countries, India and Pakistan, while there is no definition of this word in Iranian law. Knowledge of the occurrence of a crime is explicitly provided in the criminal law of India and Pakistan as a substitute for intention. According to the penal code of India and Pakistan, the punishment for this crime is life imprisonment. Apart from imprisonment in Indian criminal law, fine is also provided as a guarantee of execution, and in this regard, it is emphasized that the fine should be given to the victim and also a fair and reasonable amount of it to provide the medical expenses and treatment of the victim.

**Cite this article:** Arefi, Morteza & Keramat Mohammadi (2023) "A Comparative Study of the Penal Policy of Iran, India and Pakistan in relation to the crime of acid attack", *Criminal Law and Criminology Studies*, 53 (1), 75-98, DOI: <https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2024.357499.1832>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

<https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2024.357499.1832>



## مطالعه تطبیقی سیاست کیفری ایران، هند و پاکستان در قبال بزه اسیدپاشی

مرتضی عارفی<sup>۱</sup> | کرامت محمدی<sup>۲</sup>

۱. نویسنده مسئول، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. رایانامه: m.arefi@basu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. رایانامه:

ehsanmohammadi1398@gmail.com

### اطلاعات مقاله

### چکیده

#### نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۱/۲۷

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۲/۴/۱۲

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۵/۱۰

تاریخ انتشار:

۱۴۰۲/۶/۱۸

#### کلیدواژه‌ها:

اسیدپاشی،

ایران،

پاکستان،

جرم‌نگاری،

سیاست کیفری، هند.

اسیدپاشی در زمره جنایات و عملی غیرانسانی و خشن است که آثار جسمی و روانی مخرب، جبران‌ناپذیر و دراز مدتی بر جسم و روان بزه‌دیده بر جای می‌گذارد. مقابله علمی با این رفتار نیازمند اتخاذ سیاست جنایی مدبرانه و همه‌جانبه‌ای مبتنی بر مؤلفه‌های شدت مجازات و حمایت از بزه‌دیده است. پژوهش حاضر با مدنظر قرار دادن «قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن مصوب ۱۳۹۸» در ایران و قانون جزای دو کشور هند و پاکستان ضمن تحلیل ارکان مادی و معنوی این بزه، سیاست کیفری ایران و این دو کشور را در قبال این جرم ارزیابی می‌کند.

به‌رغم نوآوری‌هایی که قانون جدید ایران در مقایسه با قانون سابق دارد، لیکن کماکان در رفتارهای فیزیکی مشمول این قانون ابهام وجود دارد. این در حالی است که آنچه در خصوص دو رفتار فیزیکی تزریق یا خوراندن اسید به دیگری در حقوق ایران محل اختلاف است، به موجب قانون جزای دو کشور هند و پاکستان به صراحت در زمره رفتار فیزیکی بزه اسیدپاشی ذکر شده است. در هر سه کشور جرم اسیدپاشی مقید به نتیجه است. واژه اسید به‌عنوان وسیله ارتکاب جرم در دو کشور هندوستان و پاکستان تعریف شده و این در حالی است که در حقوق ایران، تعریفی از این واژه ارائه نشده است. علم به وقوع جنایت به صراحت در قانون جزای دو کشور هندوستان و پاکستان به عنوان جایگزین قصد پیش‌بینی شده است. مجازات این بزه مطابق قانون جزای دو کشور هندوستان و پاکستان در مواردی حیس ابد است. به‌جز حیس در حقوق جزای هندوستان جزای نقدی نیز به‌عنوان ضمانت اجرا پیش‌بینی شده و در این خصوص به تعلق جزای نقدی به بزه‌دیده و همچنین عادلانه و معقول بودن میزان جزای نقدی با هدف تأمین هزینه‌های پزشکی و معالجه بزه‌دیده تأکید شده است.

**استناد:** عارفی، مرتضی؛ کرامت محمدی (۱۴۰۲). مطالعه تطبیقی سیاست کیفری ایران، هند و پاکستان در قبال بزه اسیدپاشی،

مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی، ۵۳ (۱)، ۷۵-۹۸. DOI:https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2024.357499.1832

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نویسندگان



DOI: https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2024.357499.1832

## ۱. مقدمه

اسیدپاشی از فجیع‌ترین و شنیع‌ترین اشکال جنایت است که آثار درازمدت و گاه مادام‌العمری بر بزه‌دیدگان این جرم بر جای می‌گذارد. در این میان زنان بسیار بیشتر از مردان قربانی این جنایت می‌شوند. در مواردی قربانیان این جرم به‌واسطه شرم یا ترس از رفتار مرتکب از پیگیری این جنایت منصرف می‌شوند. علاوه بر این مورد فقدان قانون در زمینه جرم‌انگاری استفاده از اسید به‌عنوان سلاح و عدم اجرای قوانین موجود نیز از موانع دسترسی به عدالت است. آمارها گویای آن است که ۹۰ درصد از موارد اسیدپاشی در جهان در کشورهای در حال توسعه اتفاق می‌افتد (Atiyeh et al., 2009: 187) و سوءظن به خیانت، اختلافات خانوادگی و امتناع از ازدواج از جمله علل بروز اسیدپاشی در سراسر دنیا هستند (UN Women, 2012: 22; Biswas, 2018: 311).

مطابق آمار «اداره ملی جرایم هند»<sup>۱</sup>، در سال ۲۰۱۸، ۲۲۸ مورد اسیدپاشی گزارش شده است، این در حالی است که به‌دلیل آمار سیاه بالای این جرائم، نرخ واقعی این جرم بیش از ۱۰۰۰ مورد برآورد می‌شود (Dueby, 2020: 18). این رفتار به موجب الحاقیه<sup>۲</sup> ۲۰۱۳ در هندوستان جرم‌انگاری شده است. اسیدپاشی در نظام عدالت کیفری پاکستان نیز در سال ۲۰۱۱ به موجب الحاقیه‌ای به قانون جزای پاکستان جرم‌انگاری شده است. در سال ۲۰۱۴، ۱۵۳ مورد اسیدپاشی گزارش شد و این آمار در سال ۲۰۱۸، ۵۷ مورد بوده است، هر چند در خصوص اجرای این قانون به‌ویژه در مناطق روستایی تردید جدی وجود دارد و آمار محکومیت به اسیدپاشی در این کشور بسیار کم است و این پدیده کماکان در این کشور رواج دارد. مطابق داده‌های موجود، در فاصله سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴، بیش از ۲۵۰ مورد اسیدپاشی در این کشور گزارش شده است (Calcini, 2022: 2) و ۸۵ درصد از اسیدپاشی‌ها در ایالت «پنجاب»<sup>۳</sup> و پس از آن در ایالت «سیند»<sup>۴</sup>، بلوچستان، منطقه پایتخت اسلام آباد و منطقه آزاد جامو و کشمیر اتفاق افتاده است.

بر این اساس علت انتخاب این دو کشور به‌منظور مطالعه تطبیقی آشکار می‌شود، چراکه مطابق گزارش مراجع رسمی از جمله سازمان ملل متحد<sup>۴</sup> و سازمان‌های مردم‌نهاد<sup>۵</sup>، آمار اسیدپاشی در این دو کشور بالاست و به‌طور معمول این دو کشور موضوع مطالعات جرم‌شناختی

1. Indian National Crimes Bureau (NCRB)

2. Punjab

3. Sindh

۴. کمیساریای عالی حقوق بشر در سازمان ملل متحد، گزارشی را در سال ۲۰۱۱ با عنوان مقابله با اسیدپاشی در بنگلادش، هندوستان و کامبوج منتشر کرده است.

۵. از جمله این سازمان‌ها، مؤسسه خیریه غیرانتفاعی Acid Survivors Trust International است که در بریتانیا ثبت شده و تحقیقات خود را بر چند کشور بنگلادش، کامبوج، هند، نپال، پاکستان و اوگاندا متمرکز کرده است؛ بنیاد قربانیان اسیدپاشی (Acid Survivors Foundation) نیز در این خصوص فعالیت‌های چشمگیری دارد.

و حقوقی بسیاری قرار می‌گیرند. بر این اساس در پژوهش حاضر تلاش شده است سیاست کیفری این دو کشور در مقایسه با موضع نظام عدالت کیفری ایران ارزیابی شود. در ایران برای نخستین بار در سال ۱۳۳۷ قانونگذار در صدد تصویب قانونی برای مقابله با این عمل شوم و غیرانسانی برآمد، به‌نحوی که در این سال ماده واحدهٔ مربوط به مجازات پاشیدن اسید به تصویب رسید. با گذشت زمان و تکرار این عمل غیر انسانی شدید و نگرانی ایجاد شده در پی اسیدپاشی در جامعه و عدم بازدارندگی مجازات<sup>۱</sup>، قانونگذار ضرورت قانونگذاری جدیدی را در این خصوص احساس کرد، به‌نحوی که در سال ۱۳۹۸، قانون «تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن»<sup>۲</sup> به تصویب رسید. شایان ذکر است در خصوص مطالعهٔ تطبیقی اسیدپاشی تنها یک مقاله با عنوان «مطالعهٔ تطبیقی جرم اسیدپاشی در حقوق ایران و بنگلادش» وجود دارد و از این حیث نظام عدالت کیفری ایران با فقر منابع مطالعاتی روبه‌روست.

با عنایت به اتخاذ رویکرد تطبیقی هدف از پژوهش حاضر، واکاوی ارکان مادی و معنوی این جرم و واکنش در قبال این رفتار در قانون جزای دو کشور هندوستان و پاکستان و برجسته کردن نقاط ضعف و قوت قوانین جزایی این دو کشور در مقایسه با قانون تشدید مجازات اسیدپاشی در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران است.

بر این اساس پژوهش حاضر در مقام پاسخگویی به این پرسش‌هاست: چه رفتارهایی به‌عنوان رفتار فیزیکی در نظام کیفری ایران و دو کشور هندوستان و پاکستان پیش‌بینی شده است؟ این جرم در این نظام‌های حقوقی در زمرهٔ جرائم مطلق است یا مقید؟ آیا قانونگذاران این سه کشور در تصویب این قانون از سیاست کیفری خاصی پیروی کرده و اقدام به جرم‌انگاری و تعیین مجازات کرده‌اند یا خیر؟ با توجه به جنس عمل ارتكابی که به باور جامعه، این بزه یک عمل غیرانسانی و مشمئزکننده است، مجازات شروع به ارتكاب این جرم و معاونت در جرم اسیدپاشی با چه ضمانت اجرایی روبه‌روست؟ آیا جلوه‌هایی از حمایت از بزه‌دیده نیز در قوانین جزایی این سه کشور به چشم می‌خورد و این حمایت چگونه است؟

۱. در یک پژوهش کیفی که با انجام مصاحبهٔ عمیق با نه نفر از اسیدپاشان انجام شده، ضعف قوانین و بازدارنده نبودن مجازات مورد اشارهٔ مصاحبه‌شوندگان قرار گرفته است: ابراهیمی و میرحسینی، ۱۳۹۶: ۲۳؛ این موضوع در تحقیقات دیگر کشورها از جمله هند نیز مورد تأکید پژوهشگران قرار گرفته است:

Kumar, Vidhik (2021). Acid Attacks in India: A Socio-Legal Report, Dignity, Vol.6.

۲. از این پس به‌اختصار عنوان قانون این‌گونه ذکر می‌شود: قانون تشدید مجازات اسیدپاشی.

## ۲. ارکان بزه اسیدپاشی

### ۲.۱. جرم‌انگاری اسیدپاشی؛ رکن قانونی

جرم‌انگاری تصمیم مرجع صلاحیت‌دار در تعیین اعلام ممنوعیت یا الزام‌آور بودن انجام یک رفتار است که انجام یا ترک آن با ضمانت اجرای کیفری همراه است (عارفی، ۱۴۰۰: ۴). مطابق با «اصل قانونی بودن جرم و مجازات»<sup>۱</sup>، جرم‌انگاری یک رفتار و متعاقباً تعیین مجازات نیازمند تصریح پیشینی قانونگذار است که از آن به رکن قانونی تعبیر می‌شود. این موضوع مهم در اصول ۳۶<sup>۲</sup> و ۱۶۶<sup>۳</sup> قانون اساسی و ماده ۲<sup>۴</sup> ق.م.ا مورد تأکید قرار گرفته است (عارفی، ۱۴۰۱: ۱۲). بنابراین یک عمل هر چند به لحاظ اخلاقی مذموم و آثار زیانباری برای جامعه داشته باشد، اما تا زمانی که توسط قانونگذار به‌عنوان یک عمل مجرمانه تشخیص داده نشده و مجازاتی برای آن تعیین نشده باشد، جرم نبوده و مجازاتی نخواهد داشت (الهام و برهانی، ۱۴۰۱: ۸۷). بر این اساس قانونگذار با تصویب «قانون تشدید مجازات اسیدپاشی»، عنصر قانونی این بزه را مشخص کرده است.

قانون جزای هندوستان در سال ۱۸۶۰ به تصویب رسیده و به کرات اصلاحات و الحاقاتی در این قانون ایجاد شده و در حال حاضر مواد ۳۲۶ (الف) و ۳۲۶ (ب) به جرم اسیدپاشی می‌پردازد. این جرم ذیل فصل شانزدهم قانون جزای هندوستان با عنوان کلی «جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص»<sup>۵</sup> قرار دارد.

ماده ۳۲۶ (الف) که در سال ۲۰۱۳ به قانون جزای هند اضافه شده است، بیان می‌دارد: «هر کس با پاشیدن اسید یا «تزریق»<sup>۶</sup> آن به دیگری موجب آسیب دائمی یا جزئی، «تغییر شکل»<sup>۷</sup>، سوختگی، جراحت شدید بدنی، معلولیت یا از کارافتادگی عضوی از اعضای بدن وی یا آسیب شدید شود، در صورتی که قصد ورود صدمه یا جراحت داشته باشد یا به این موضوع علم داشته باشد که رفتار وی احتمالاً موجب چنین صدمه یا جراحتی می‌شود، به حبس و جزای نقدی محکوم خواهد شد. مدت این حبس کمتر از ده سال نیست و در شرایطی ممکن است مرتکب به حبس ابد محکوم شود. در خصوص جزای نقدی نیز مقرر شده است میزان جزای نقدی بایستی برای تأمین هزینه‌های پزشکی و معالجه بزه‌دیده عادلانه و معقول باشد.

### 1. The Legality of Crime and Punishment

۲. اصل ۳۶ قانون اساسی: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.»

۳. اصل ۱۶۶ قانون اساسی: «احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است.»

۴. ماده ۲ ق.م.ا: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌شود.»

### 5. Offences Affecting the Human Body

6. administer

7. deformity

ماده ۳۲۶ (ب) نیز در این زمینه مقرر می‌دارد: «هر کس اقدام به اسیدپاشی یا شروع به آن نماید یا شروع به تزریق اسید به دیگری نماید با این قصد که به وی آسیب دائمی یا جزئی یا تغییر شکل یا سوختگی، معلولیت یا از کار افتادگی یا آسیب شدید وارد شود به حبس از ۵ تا ۷ سال و جزای نقدی محکوم خواهد شد.»

قانون جزای پاکستان نیز در سال ۱۸۶۰ به تصویب رسیده و به کرات در سال‌های ۲۰۰۲ به بعد اصلاح شده است. فرایند جرم‌انگاری اسیدپاشی در این کشور گویای آن است که بزه‌دیدگان این جرم یا خانواده‌های آنها اغلب با تأخیرهای طولانی و حمایت دولتی و مراقبت‌های اندک پزشک در فرایند نظام عدالت کیفری روبه‌رو می‌شدند. «دادگاه عالی پاکستان»<sup>۱</sup> با در نظر گرفتن این نیازها در پرونده «نایلا فرهت»<sup>۲</sup>، از دولت فدرال خواست تا قانونگذاری متناسب با خشونت اسیدپاشی را در نظر بگیرد. متعاقب این امر و به تأسی از «قانون پیشگیری از جرم اسیدپاشی»<sup>۳</sup> در بنگلادش که در سال ۲۰۰۲ تصویب شد، قانون جزای این کشور در سال ۲۰۱۱ اصلاح شد (Kaur & Kumar, 2020: 484).

به موجب ماده ۳۳۶ (الف) الحاقی سال ۲۰۱۱، اسیدپاشی، جرم‌انگاری و بر اساس ماده ۳۳۶ (ب) مجازات این رفتار تعیین شده است. ماده ۳۳۶ (الف) بیان می‌دارد: «هر کس عامداً یا عالماً به‌وسیله یک «مایع خورنده»<sup>۴</sup> که برای بدن آسیب‌زا است از طریق «فرو بُردن»<sup>۵</sup>، «استنشاق»<sup>۶</sup>، تماس یا وارد کردن به بدن انسان موجب آسیب یا شروع به آسیب به دیگری شود، مجرم است.

## ۲.۲. رکن مادی

مقصود از رکن مادی تجلی اراده مرتکب در عالم خارج به صورت فعل یا ترک فعل است. در بحث از رکن مادی افزون بر رفتار مجرمانه، موضوع، رابطه سببیت، نتیجه، وسیله، زمان و مکان ارتکاب جرم و همچنین شخصیت بزه‌کار و بزه‌دیده نیز مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. از آنجا که در جرم اسیدپاشی مواردی همچون زمان، مکان، شخصیت بزه‌کار و بزه‌دیده تأثیری در تحقق این جرم ندارد، از این‌رو در ادامه طی چهار بند به رفتار فیزیکی، موضوع، نتیجه و وسیله پرداخته می‌شود.

1. Supreme Court of Pakistan
2. Naila Farhat
3. The Acid Crime Prevention Act
4. corrosive substance
5. swallowe
6. inhale

## ۱.۲.۲. رفتار فیزیکی

به موجب قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن، رفتار فیزیکی لازم برای تحقق این جرم عبارت است از «پاشیدن». در کنار این رفتار «ریختن» اسید یا «فروبردن» اعضای بدن بزه‌دیده در اسید نیز به موجب تبصره ۱ ماده ۱ به‌عنوان اعمال در حکم اسیدپاشی محسوب شده است. افزون بر این، قانونگذار با استفاده از عبارت «و اعمالی نظیر آن» در تبصره ۱ ماده ۱ اعمالی همچون تزریق اسید به داخل بدن بزه‌دیده یا پرتاب ظرف حاوی اسید را نیز در حکم اسیدپاشی قلمداد کرده است. همچنین اگر شخصی گودالی حفر کرده و آن را مملو از اسید و ترکیبات شیمیایی کند و دیگری را در آن پرتاب کند یا هل دهد و موجب جنایت شود، این رفتار مرتکب نیز مصداق اسیدپاشی و در حکم آن است. علاوه بر این، به اعتقاد برخی نویسندگان مطابق تفسیر منطقی و غایی، رفتارهایی همچون خوراندن یا فرو کردن اعضای بدن مجنی‌علیه در اسید را هم بایستی مترادف پاشیدن محسوب کرد (زندى و اوجاقو، ۱۳۹۵: ۵۶). در مقابل برخی دیگر از نویسندگان با تأکید بر واژه «پاشیدن» از یک سو و عبارت «تغییر شکل دائمی صورت» که در بند «الف» ماده ۲ بیان شده است، اعتقاد دارند خوراندن یا تزریق اسید به دیگری که منتهی به صدمات به اعضای داخلی یا مرگ شود، مشمول این قانون نیست (اقائی‌نیا، ۱۳۹۹: ۳۹۱؛ میرمحمد صادقی، ۱۳۹۹: ۳۱۳). به نظر می‌رسد تقیید شمول این قانون به مواردی که صرفاً اندام ظاهری و بیرونی بزه‌دیده را مورد آسیب قرار دهد با منطبق حقوقی سازگار نیست، چراکه اولاً این تفسیر با کاربرد عبارت «و اعمالی نظیر آن» در تبصره ۱ ماده ۱ همخوانی ندارد، به‌ویژه اینکه این عبارت در قانون مربوط به مجازات پاشیدن اسید مصوب ۱۳۳۷ نظیر نداشت و قانونگذار این تبصره را به موجب قانون سال ۱۳۹۸ الحاق کرده است، گویی آنکه با این کار قصد مقابله با کلیه رفتارهای فیزیکی‌ای را داشته است که با ابزار اسید به وقوع می‌پیوندد؛ ثانیاً: از جمع مواد ۱ و ۲ قانون تشدید اسیدپاشی مشخص می‌شود که ایراد جنایت بر منفعت نیز برای شمول این قانون به رفتار مرتکب کافی است و این در حالی است که جنایت بر منفعت در اغلب موارد، عینی و بیرونی و ناظر به اندام ظاهری نیست، از این‌رو مطابق نظر مذکور چنانچه مرتکب با تزریق اسید به داخل بدن دیگری موجب آسیب به یکی از منافع حیاتی وی شود بی‌آنکه ظاهر عضو آسیب ببیند، از شمول این ماده باید خارج باشد که ضعف این نظریه آشکار و واضح است؛ ثالثاً: یکی از پیام‌های این قانون که در عنوان نمود داشته است، حمایت از بزه‌دیدگان است. با پذیرش نظر مذکور، این مهم نیز تحقق نخواهد یافت.

همسو با این نظر برخی نویسندگان بیان می‌دارند عبارت «و اعمالی نظیر آن» که در تبصره ۱ ماده ۱ قانون تشدید مجازات اسیدپاشی به کار رفته است، جای هر گونه شبهه برای شمول تمامی اعمالی را که منتج به نتیجه می‌شوند رفع می‌کند (اکرمی و شریفی، ۱۳۹۹: ۲۱).

جرم اسیدپاشی در زمره جرائم آنی و ساده است و رفتارهای مصداق این قانون نیز به صورت «فعل»<sup>۱</sup> تحقق می‌یابند. در مقابل برخی نویسندگان اعتقاد دارند که قانونگذار با کاربرد عبارت «و اعمالی نظیر آن» هر نوع عملی را که منتج به نتایج مذکور در قانون نسبت به قربانی شود، مدنظر دارد، خواه نتیجه ناشی از فعل یا ترک فعل باشد و در توضیح این عبارت اضافه می‌کنند «فرض کنیم قربانی به اشتباه ظرف اسید را به جای کاسه‌ای آب بنوشد بدون اینکه مرتکب عمل، وی را از این موضوع مطلع کند و آن نتیجه‌ای که نباید حاصل شود آیا می‌توان گفت که چون قانون تصریحی روشن به ترک فعل نداشته پس آسیب وارده جنبه کیفری ندارد؟» (اکرمی و شریفی: ۱۳۹۹: ۲۱). به نظر می‌رسد چنین مثالی هیچ دلالتی بر رفتار ترک فعل ندارد و مصداقی از جنایت بالتسبیب است.

رکن مادی بزه اسیدپاشی چنانچه شامل ماده ۲۸۶ ق.م.ا.شود، حسب تبصره ۲ ماده یک قانون تشدید مجازات اسیدپاشی از شمول این قانون خارج است و تمامی عناصر آن اعم از قانونی و مادی و معنوی به موجب ماده اخیرالذکر تعیین خواهد شد. از آنجا که ماده ۲۸۶ به لحاظ رکن مادی و معنوی هویت مستقلی ندارد و در عنوان وابسته به سایر عناوین جزایی است، از این رو نزدیک‌ترین رفتار به جرم موضوع قانون تشدید مجازات اسیدپاشی آن است که شخصی با استفاده از اسید یا سایر ترکیبات شیمیایی مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی اشخاص شود. بدیهی است که احراز چنین عنوانی منوط به رعایت شرایط مذکور در ماده ۲۸۶ از جمله گستردگی این جنایت و همچنین اخلاص شدید در نظم عمومی یا ناامنی است.

در حقوق جزای انگلستان، جرم مستقلی تحت عنوان اسیدپاشی وجود ندارد و این رفتار به موجب فصل بیست و نهم «قانون جرائم علیه اشخاص مصوب ۱۸۶۱»<sup>۲</sup> امکان تحقق دارد.<sup>۳</sup> در این فصل، «ریختن»<sup>۴</sup> یا «پرتاب کردن»<sup>۵</sup> به عنوان رفتار فیزیکی بیان شده است.

در قانون جزای هند و بر اساس ماده ۳۲۶ (الف) رفتار مرتکب می‌تواند در قالب «پاشیدن اسید» یا «تزریق» محقق شود. در قانون جزای کشور پاکستان نیز رفتار فیزیکی بزه اسیدپاشی به صورت فرو بردن، استنشاق، تماس با بدن یا وارد کردن آن انجام شود. بر این اساس آشکار می‌شود که آنچه در خصوص دو رفتار فیزیکی تزریق یا خوراندن اسید به دیگری در حقوق ایران

1. Act

2. Offences against the Person Act 1861

۳. در این فصل رفتارهایی همچون انفجار باروت یا پرتاب مواد محترقه یا مایع مضر یا خورنده به قصد آسیب بدنی شدید جرم‌انگاری شده است.

4. Cast

5. Throw



محل اختلاف است به موجب قانون جزای دو کشور هند و پاکستان به صراحت در زمره رفتار فیزیکی بزه اسیدپاشی ذکر شده است.

بر این اساس هرچند جرم‌انگاری فروش بدون مجوز اسید مورد تأکید سازمان ملل قرار گرفته است (UN Women, 2012: 23)، اما این رفتار در هیچ‌یک از سه کشور به صورت مستقل جرم‌انگاری نشده است و صرفاً ممکن است بتوان فروشنده اسید را به شرط وجود وحدت قصد با مباشر به عنوان معاونت در ارتکاب جرم اسیدپاشی محکوم کرد.

### ۲.۲.۲. موضوع

موضوع این جرم انسان است و پاشیدن اسید بر روی اشیا یا حیوانات هر چند موجب ورود خسارت شدید به مالک اتومبیل یا حیوان شود مشمول این قانون نخواهد بود. به‌رغم عدم تصریح قانونگذار، این رفتار بایستی بر روی انسان زنده انجام شود (زراعت، ۱۳۹۴: ۲۵۰) و پاشیدن اسید به روی میت مصداق جنایت بر میت است که مطابق ماده ۷۲۲ یا ۷۲۳ ق.م.ا قابل مجازات است. این گزاره در خصوص قانون جزای کشور هندوستان و پاکستان نیز صادق است و در این دو کشور نیز بزه اسیدپاشی ناظر به انسان زنده است.

### ۳.۲.۲. نتیجه

اسیدپاشی در زمره جرائم مقید به نتیجه است. در واقع صرف پاشیدن اسید برای تحقق این جرم کافی نیست و این رفتار یا رفتارهای مشابه دیگر بایستی منتهی به جنایت بر نفس، عضو یا منفعت شود. از این‌رو در صورتی که اسیدپاشی منتهی به نتایج مذکور نشود و برای مثال به دلیل عدم مهارت بزه‌کار یا سرعت عمل بزه‌دیده، اسید روی زمین یا شیئی بیاشد (جرم عقیم)، رفتار وی در حکم شروع به جرم و مستند به تبصره ماده ۱۲۲ ق.م.ا، قابل مجازات خواهد بود.<sup>۱</sup> همچنین است اگر رفتار مرتکب پس از ورود به عملیات اجرایی در مرحله شروع به جرم به دلیل عامل خارج از اراده وی معلق بماند (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۹: ۳۱۳).

مطابق قانون جزای هندوستان نیز این جرم مقید به نتیجه است و رفتار مرتکب باید موجب بروز یکی از نتایج زیر شود: آسیب دائمی یا جزئی، تغییر شکل، سوختگی، جراحت شدید بدنی، معلولیت یا از کارافتادگی عضوی از اعضای بدن وی یا آسیب شدید. در قانون جزای پاکستان نیز مطابق ماده ۳۳۶ (الف) این‌گونه برداشت می‌شود که جرم موضوع این ماده مقید به نتیجه است.

۱. هر چند این تبصره ناظر به جرم محال است، لیکن با تمسک به قیاس اولویت می‌توان گفت که جرم عقیم نیز به دلیل آنکه حالت خطرناک بیشتری نسبت به جرم محال دارد، در حکم شروع به جرم است و به استناد تبصره ماده ۱۲۲ قابل مجازات است.

## ۴.۲.۲. وسیله

جرم اسیدپاشی از جمله جرائم مقید به وسیله است. «اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی» فارغ از میزان غلظت به‌عنوان وسیله ارتکاب این جرم محسوب می‌شود. همان‌گونه که بیان شد در حقوق جزای انگلستان، جرم مستقلی تحت عنوان اسیدپاشی وجود ندارد و این رفتار به موجب فصل بیست و نهم «قانون جرائم علیه اشخاص مصوب ۱۸۶۱»<sup>۱</sup> قابل مجازات است.<sup>۲</sup> در این فصل، «مایع خورنده»<sup>۳</sup> وسیله محسوب شده است. ذیل ماده ۳۲۶ (ب) از قانون جزای هندوستان بیان شده است که منظور از اسید هر مایعی است که ویژگی اسیدی یا «خورندگی»<sup>۴</sup> دارد یا «ماهیت سوزان / سوزنده»<sup>۵</sup> داشته باشد و بالقوه بتواند سبب آسیب بدنی منجر به زخم یا تغییر شکل یا معلولیت و از کارافتادگی موقتی یا دائم عضوی از اعضای بدن بزه‌دیده شود.

همان‌گونه که بیان شد در حقوق جزای پاکستان واژه اسید به صراحت تعریف نشده و ذیل عبارت کلی «ماده خورنده» تعریف شده است. در تعریف این واژه ذیل ماده ۳۳۶ (الف) بیان شده است: «مقصود از ماده خورنده، مایعی است که قابلیت از بین بردن، آسیب، تغییر شکل یا جدا شدن عضوی از اعضای بدن را داشته باشد و شامل اسید، سم، ماده منفجره، «ماده سوزان»<sup>۶</sup>، «مایع مهلک / مضر»<sup>۷</sup>، آرسنیک یا هر ماده شیمیایی دیگری است که اثر خورنده دارد و برای بدن آسیب‌زا است».

بنابراین در عمل این موضوع مهم و شایان توجه است که برای ارتکاب بزه حتماً نیاز به استفاده از اسید به معنای خاص آن نیست و سایر ترکیبات شیمیایی نیز که موجب جنایت شود، مشمول این قانون خواهد شد. برای شناسایی ترکیبات شیمیایی استفاده شده در ارتکاب جرم، فرمول و قاعده خاصی بیان نشده است، بلکه به نظر می‌رسد این نتیجه عمل است که مشخص می‌کند آیا مرتکب از ترکیبات شیمیایی دارای خاصیت اسیدی استفاده کرده است یا خیر. طبیعتاً استفاده از نظریات کارشناسی در خصوص ترکیبات به کار رفته در ماده شیمیایی و نظریه پزشکی قانونی در خصوص نوع اثر به‌جای‌مانده از آن در جسم بزه‌دیده می‌تواند راه‌گشا باشد و در فرض تردید در شمول عنوان اسید یا هر ترکیب شیمیایی دیگر که خاصیتی مشابه با اسید داشته باشد، ارجاع امر به کارشناس ضروری است.

## 1. Offences against the Person Act 1861

۲. در این فصل رفتارهایی همچون انفجار باروت یا پرتاب مواد محترقه یا مایع مضر یا خورنده به قصد آسیب بدنی شدید جرم‌انگاری شده است.

## 3. corrosive fluid

این واژه در معنای فرسایش شیمیایی یا آسیب به شیء در اثر فرایند شیمیایی نیز بیان شده است.

## 4. corrosive

## 5. burning nature

## 6. heating substance

## 7. noxious thing

## ۳.۲. رکن معنوی

عنصر روانی این جرم متشکل از سوءنیت عام و علم مرتکب به موضوع جرم است. در واقع مرتکب باید رفتار فیزیکی لازم برای تحقق این جرم را عامدانه و ارادی انجام دهد که طبیعتاً این امر مستلزم علم وی به ماهیت مایع مورد استفاده است و قانونگذار این امر را با کاربرد واژه «عمداً» در صدر ماده ۱ قانون تشدید اسیدپاشی مورد تأکید قرار داده است. لیکن اثبات سوءنیت خاص (قصد ایراد جنایت به نفس، عضو یا منفعت) در تحقق این جرم تأثیرگذار نیست و مستند به ماده ۱۴۴<sup>۱</sup> و بند «ب» ماده ۲۹۰ ق.م.ا، صرف علم مرتکب به اینکه رفتار وی به جنایت واقع شده یا نظیر آن منجر می‌شود، برای مسئول دانستن وی کفایت می‌کند. به دیگر سخن، در صورت علم مرتکب به اسید بودن مایعی که در دست وی است، علم وی به آثار و پیامد رفتار ارتكابی نیز مفروض و اثبات خلاف آن دشوار است.

در قانون جزای هندوستان، قصد تحقق نتیجه یا علم به وقوع آن به عنوان رکن معنوی در ماده ۳۲۶ (الف) بیان شده است. این ماده بیان می‌دارد: «هر کس با پاشیدن اسید یا تزریق آن به دیگری موجب آسیب دائمی یا جزئی... شود در صورتی که قصد ورود صدمه یا جراحت داشته باشد یا به این موضوع علم داشته باشد که رفتار وی احتمالاً موجب چنین صدمه یا جراحتی می‌شود...». در ماده ۳۳۶ (الف)، قانون جزای پاکستان نیز عبارت مشابهی با آنچه در قانون جزای هندوستان آمده ذکر شده است.

اشتباه در هدف از سوی اسیدپاش چنانچه به وقوع جنایتی منجر شود، مستند به بند «پ» ماده ۲۹۲ ق.م.ا از شمول عمد خارج خواهد بود (آقائی‌نیا، ۱۳۹۹: ۳۹۲)، لیکن اشتباه در هویت مستند به ماده ۲۹۴ ق.م.ا مانعی برای عمدی دانستن جنایت محسوب نخواهد شد. لیکن اگر کسی قصد داشته باشد که اسید را روی صورت دیگری بپاشد لیکن به دلیل عدم مهارت یا سرعت عمل بزه‌دیده، اسید روی دست یا بدن وی بپاشد، این رفتار مصداق اشتباه در هدف محسوب نخواهد شد؛ به دیگر سخن نمی‌توان اشتباه در عضو را اشتباه در هدف تلقی و جنایت ارتكابی را غیرعمد محسوب کرد (آقائی‌نیا، ۱۳۹۹: ۳۹۳). همچنین اگر (الف) با اعتقاد صادقانه لیکن اشتباه به اینکه (ب) مرتکب جرم زنا یا به عنف شده و با پاشیدن اسید به وی مرتکب قتل عمدی (ب) شود، مستند به

۱. ماده ۱۴۴: در جرائمی که وقوع آنها بر اساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود.

۲. ماده ۲۹۰: «جنایت در موارد زیر عمدی محسوب می‌شود: ... ب: هر گاه مرتکب عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می‌گردد هر چند قصد ارتكاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود.»

مواد ۳۰۳ ق.م.ا و ماده (۲) قانون تشدید مجازات اسیدپاشی، علاوه بر دیه، به حبس تعزیری درجه یک محکوم خواهد شد.

مشابه این مقررات در ماده ۱۱۱ قانون جزای هند نیز وجود دارد. بر اساس این ماده چنانچه (الف)، (ب) را به ارتکاب یک رفتار مجرمانه تحریک یا ترغیب کند و شخص مباشر، جرم دیگری را انجام دهد یا آنکه همان جرم را بر بزه‌دیده دیگر انجام دهد، در صورتی که عمل مباشر نتیجه احتمالی رفتار معاون باشد و رفتار مباشر در نتیجه ترغیب یا تحریک معاون ارتکاب یابد، معاون به‌عنوان معاونت در جرم ارتکاب‌یافته محکوم می‌شود. ماده اخیرالذکر از این حیث با بحث حاضر مرتبط است که چنانچه شخص (الف)، (ب) را تحریک کند تا به صورت (ج) اسید بپاشد، اما (ب) به دلیل اشتباه در هویت، اشتهاً اسید را به صورت (د) بپاشد، (ج) به اتهام اسیدپاشی و (الف) به اتهام معاونت در جرم اسیدپاشی محکوم می‌شوند.

### ۳. واکنش در قبال اسیدپاشی

قانونگذار ایران در ماده ۱۴ ق.م.ا، چهار نوع مجازات برای اشخاص حقیقی تعیین کرده که عبارت‌اند از حد، قصاص، دیه و تعزیر که از این چهار نوع مجازات، همگی در قانون تشدید مجازات اسیدپاشی ذکر شده است<sup>۱</sup> و مجازات دوم و سوم (دیه و تعزیر) با یکدیگر قابل جمع هستند و در صورتی مورد حکم قرار می‌گیرند که مجازات قانونی رفتار مرتکب قصاص نباشد یا آنکه قصاص اجرا نشود.<sup>۲</sup> هرچند که به اعتقاد برخی نویسندگان، ماهیت جنایت اسیدپاشی به‌گونه‌ای است که امکان مماثلت در آن وجود ندارد و با انتفای مماثلت، مجالی برای قصاص باقی نمی‌ماند (نظری توکلی و کراچیان ثانی، ۱۳۹۹: ۱۲۸)؛ همان‌گونه که در پرونده خانم آمنه بهرامی نوا، پزشکی قانونی در خصوص عدم امکان قصاص اسیدپاش چنان اظهار نظر کرده است: «نامبرده (بزه‌دیده) به طور کامل نابینا می‌باشد و از نظر پزشکی قانونی قصاص میسر نمی‌باشد» (رایجیان اصلی، ۱۳۹۲: ۲۳).

بر این اساس در ذیل، مجازات رفتار ارتكابی بر حسب اینکه نقش مرتکب در وقوع جنایت مباشرت/تسبیب، شرکت یا معاونت در جرم باشد یا آنکه رفتار وی در حد شروع به جرم، جرم عقیم یا محال متوقف شود، بررسی می‌شود.

۱. در صورتی که رفتار مرتکب به موجب تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشدید اسیدپاشی مصداق افساد فی الأرض باشد مرتکب به موجب ماده ۲۸۶ ق.م.ا، به اعدام محکوم خواهد شد که در این صورت، مجازات مورد حکم مصداق حد خواهد بود.

۲. شایان ذکر است که برای صدور حکم به قصاص نفس یا عضو و اجرای آن مقررات مربوط به کتاب قصاص در ق.م.ا لازم‌الرعایه هستند (مواد ۳۰۱ و ۳۹۳) که این امر در انتهای ماده یک قانون تشدید اسیدپاشی مورد تأکید قرار گرفته است.

## ۱.۳. مجازات مباشر / مسبب

چنانچه شخص به تنهایی مرتکب جنایت بر بزه دیده شود، اعم از آنکه رفتار وی مصداق مباشرت باشد یا تسبیب<sup>۱</sup>، اصل بر آن است که وی بر حسب آسیب وارده و با رعایت شرایط مذکور در مواد ۳۰۱، ۳۸۱، ۳۸۶، ۳۸۷ و ۳۹۳ ق.م.ا به قصاص نفس، عضو یا منفعت محکوم شود.

اما چنانچه به تعبیر ماده ۲ قانون تشدید مجازات اسیدپاشی، مجازات قانونی قصاص نباشد یا قصاص به هر دلیل اجرا نشود<sup>۲</sup>، نوبت به تعیین دیه و حبس تعزیری می‌رسد. این ماده بیان می‌دارد: «هرگاه شخصی مرتکب جرم موضوع این قانون شود و مجازات آن قصاص نباشد یا به هر علتی مانند مصالحه اولیای دم، قصاص اجراء نشود، مرتکب علاوه بر پرداخت دیه<sup>۳</sup> یا ارش یا وجه‌المصالحه حسب مورد مطابق مقررات مربوطه، به ترتیب زیر مجازات می‌شود: الف) در جنایت بر نفس و جنایت منجر به تغییر شکل دائمی صورت بزه دیده به حبس تعزیری درجه یک<sup>۴</sup>؛ ب) در جنایتی که میزان دیه آن بیش از نصف دیه کامل<sup>۵</sup> باشد، به حبس تعزیری درجه دو؛

۱. برای نمونه چنانچه شخص بالغ به قصد اسیدپاشی، ظرف حاوی اسید را به مجنون یا طفل غیرممیز بدهد تا به روی دیگری بریزد.

۲. منظور از این قسمت از ماده ۲ (مجازات قانونی قصاص نباشد یا به هر دلیل اجرا نشود) آن است که شرایط عمومی قصاص مذکور در ماده ۳۰۱ ق.م.ا (مثلاً اسیدپاشی یک مسلمان نسبت به کافر) یا شرایط اختصاصی قصاص عضو مذکور در ماده ۳۹۳ ق.م.ا وجود نداشته باشد که ماده ۴۰۱ ق.م.ا نیز به نوعی بر این موضوع تأکید می‌کند یا آنکه میان بزه دیده/ اولیای دم با بزه‌کار صلح بلاعوض یا معالوض انجام شود. همچنین مصداق دیگر مربوط به فروض مطرح در ماده ۳۰۲ ق.م.ا است. بر این اساس اگر حسن مرتکب قتل عمدی حسین شده باشد و محسن که تنها ولی دم حسین است با پاشیدن اسید به حسن منجر به فوت وی شود مجازات محسن ناظر به بند «پ» ماده ۳۰۲ ق.م.ا قصاص نخواهد بود و تعزیر وی نیز به دلیل وجود قانون خاص بر اساس بند «الف» ماده ۲ قانون تشدید اسیدپاشی تعیین خواهد شد نه منطبق بر ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات ۱۳۷۵. مصداق چهارم ناظر به قسمت اخیر ماده ۳۰۳ ق.م.ا است که شخصی با اعتقاد صادقانه ولو اشتباه مرتکب قتل یا آسیب به عضو از طریق اسید شود که در این صورت علاوه بر دیه مشمول بند «الف» ماده ۲ قانون تشدید اسیدپاشی می‌شود. به نظر می‌رسد حتی در صورت اثبات مهدورالدم بودن بزه دیده از سوی مرتکب صرفاً قصاص و دیه به استناد صدر ماده ۳۰۲ از وی ساقط می‌شود و وی کماکان مشمول بند الف» ماده ۲ قانون تشدید اسیدپاشی خواهد بود. مصداق پنجم در فرض مرگ مرتکب یا فرار وی اتفاق می‌افتد.

۳. بحث تفاضل دیه زن و مرد در قصاص عضو در صورتی که آسیب وارده از سوی مرد اسیدپاش به بزه دیده زن به میزان ثلث دیه کامل مرد برسد (ماده ۵۶۰ ق.م.ا) از جمله مواردی است که با رویکرد حمایت از بزه دیده در قانون تشدید مجازات اسیدپاشی در تناقض است.

۴. در ماده ۹۲ لایحه تعزیرات که توسط معاونت حقوقی و امور مجلس (نسخه آبان ۱۴۰۱) تهیه شده است، در خصوص بند «الف» حبس درجه یک تا سی سال تعیین شده بود.

۵. معیار دیه کامل با ایراد روبه‌روست، چراکه مطابق ماده ۵۵۰ ق.م.ا، دیه قتل زن، نصف دیه مرد است؛ بهتر بود قانونگذار به جای این عبارت و معیار، میزان دیه «بزه دیده» را ملاک تعیین حبس تعزیری قرار می‌داد و عبارت مذکور در این ماده این گونه نوشته می‌شد: در جنایتی که میزان دیه آن بیش از نصف دیه بزه دیده باشد به حبس تعزیری درجه دو.

پ) در جنایتی که میزان دیه آن از یک‌سوم تا نصف دیه کامل باشد، به حبس تعزیری درجه سه؛  
 ت) در جنایتی که میزان دیه آن تا یک‌سوم دیه<sup>۱</sup> کامل باشد، به حبس تعزیری درجه چهار».  
 به‌طور مثال در بند «الف» ماده ۲ قانون تشدید مجازات اسیدپاشی در صورت جنایت بر  
 نفس و همچنین جنایتی که به تغییر شکل دائمی صورت بزه‌دیده منجر شود، حبس تعزیری درجه  
 یک (حبس بیش از ۲۵ سال) تعیین شده که در نوع خود منحصر به فرد است. علت اتخاذ چنین  
 رویکرد سختگیرانه‌ای، وسیله ارتکاب بزه و آثار ناشی از آن است که قانونگذار را مجاب در تعیین  
 شدیدترین درجه کیفر تعزیری کرده است. این در حالی است که در قتل عمدی با سایر وسایل و  
 به هر شیوه (مثلاً قتل با سلاح گرم یا بریدن سر با سلاح سرد) که به هر علت منتهی به قصاص  
 نشود، حسب ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، دادگاه مرتکب را می‌تواند به حبس از سه تا ده  
 سال محکوم می‌کند، آن هم مشروط به آنکه اقدام مرتکب موجب اخلال در نظم و صیانت  
 جامعه شود یا بیم تجرّی مرتکب یا دیگران گردد. بنابراین در قتل با سایر وسایل غیر از اسید و  
 ترکیبات شیمیایی در صورت عدم اجرای قصاص، مرتکب حداکثر به حبس تعزیری درجه ۴  
 محکوم خواهد شد که با عنایت به تبصره الحاقی به ماده ۱۸ ق.م.ا، این مدت در حالت عادی سه  
 سال خواهد بود، مگر آنکه مقام قضایی بتواند عدول از حداقل مجازات مقرر قانونی را توجیه کند.  
 نکته شایان توجه دیگر از رهگذر مقایسه بندهای ب، پ و ت ماده ۲ قانون تشدید مجازات  
 اسیدپاشی با ماده ۶۱۲<sup>۲</sup> قانون تعزیرات ۱۳۷۵ به‌دست می‌آید؛ با این توضیح که اگر شخص  
 مرتکب قتل عمدی با وسیله‌ای غیر از اسید گردد و قصاص اجرا نشود، حداکثر حبس وی ۱۰  
 سال خواهد بود، ولی اگر مرتکب از اسید استفاده کند، حتی اگر رفتار وی منتهی به فوت بزه‌دیده  
 نشود، بر حسب میزان دیه به حبس تعزیری درجه دو تا چهار محکوم می‌شود. به دیگر سخن،

۱. ایراد مذکور در این بند واضح است، چراکه مشخص نیست جنایات مستلزم یک‌سوم دیه مشمول بند «ت» است یا «پ».  
 در بند «ت» لایحه تعزیرات این ایراد وجود نداشت و در بند «ت»، به‌جای «تا» یک‌سوم دیه، عبارت «کمتر از» ثلث دیه  
 کامل ذکر شده بود.

۲. ماده ۲ قانون تشدید اسیدپاشی: هر گاه شخصی مرتکب جرم موضوع این قانون شود و مجازات آن قصاص نباشد یا به هر  
 علتی مانند مصالحه اولیای دم، قصاص اجرا نشود، مرتکب علاوه بر پرداخت دیه یا ارش یا وجه‌المصلحه حسب مورد مطابق  
 مقررات مربوطه، به ترتیب زیر مجازات می‌شود:

الف) در جنایت بر نفس و جنایت منجر به تغییر شکل دائمی صورت بزه‌دیده به حبس تعزیری درجه یک.

ب) در جنایتی که میزان دیه آن بیش از نصف دیه کامل باشد، به حبس تعزیری درجه دو.

پ) در جنایتی که میزان دیه آن از یک سوم تا نصف دیه کامل باشد به حبس تعزیری درجه سه.

ت) در جنایتی که میزان دیه آن تا یک‌سوم دیه کامل باشد به حبس تعزیری درجه چهار.

۳. ماده ۶۱۲ مقرر می‌دارد: «هر کس مرتکب قتل عمدی شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده  
 باشد و یا به هر علت قصاص نشود در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجرّی  
 مرتکب یا دیگران گردد دادگاه مرتکب را به حبس از سه تا ده سال محکوم می‌نماید».

مجازات قانونی قتل عمد بدون استفاده از اسید یا سایر ترکیبات شیمیایی از حیث درجه همسان ورود آسیب به بزه‌دیده به اندازه یک‌سوم دیه کامل است.<sup>۱</sup> با این توضیح آشکار می‌شود که حداقل مجازات ایراد جنایت از طریق اسید به بزه‌دیده حتی به میزان نیم درصد دیه کامل بیشتر از حداقل مجازات قتل با وسایلی غیر از اسید است.

بنابراین اگرچه بزه اسیدپاشی رفتاری شنیع، غیرانسانی و به‌شدت مذموم است، اما این میزان از عدم سختیت مجازات در مقایسه با مجازات مذکور در ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ به نظر غیرمنطقی می‌رسد و گویای قانونگذاری احساسی متعاقب وقوع جرائم ناشی از اسیدپاشی در سطح جامعه است.

در قانون جزای هندوستان برای مرتکب بزه اسیدپاشی، حبس حداقل ده سال تا ابد و همچنین جزای نقدی محکوم می‌شود و در تعیین میزان جزای نقدی تأمین هزینه‌های پزشکی و معالجه بزه‌دیده باید مورد توجه قرار گیرد.

در قانون جزای پاکستان نیز حبس حداقل چهارده سال تا ابد و همچنین حداقل یک میلیون روپیه جزای نقدی پیش‌بینی شده است.

### ۲.۳. مجازات شریک

چنانچه دو نفر به‌نحو شرکت در جرم، موجب جنایت بر بزه‌دیده شوند، بر حسب نوع جنایت و آسیب وارده، مجازات متفاوت خواهد بود. با این توضیح که اگر مجازات قانونی رفتار شرکا قصاص نباشد یا آنکه به هر دلیل قصاص اجرا نشود، شرکا در جنایت عهده‌دار پرداخت دیه، ارض یا وجه‌المصالحه خواهند بود (مواد ۴۵۳، ۵۲۶ و ۵۳۳ ق.م.ا.)<sup>۲</sup> و مستقلاً مجازات تعزیری را تحمل می‌کنند (ماده ۱۲۵ ق.م.ا.).

۱. قید «همسان» مسامحتاً در این عبارت به‌کار رفته است، چراکه حداقل مجازات حبس مذکور در ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، سه سال لیکن حداقل حبس مذکور در بند «ت» ماده ۲ قانون تشدید اسیدپاشی، بیش از پنج سال حبس است.

۲. ماده ۴۵۳: «هرگاه دو یا چند نفر به‌نحو اشتراک مرتکب جنایت موجب دیه گردند، حسب مورد هریک از شرکا یا عاقله آنها به‌طور مساوی مکلف به پرداخت دیه است.»

۳. ماده ۵۲۶: «هر گاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می‌باشند مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هریک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیرممیز یا مجنون و مانند آنها باشد فقط سبب، ضامن است.»

۴. ماده ۵۳۳: «هر گاه دو یا چند نفر به‌نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتی بر دیگری گردند به‌طوری که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد، به طور مساوی ضامن می‌باشند.»

۵. ماده ۱۲۵: «هر کس با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرایی جرمی مشارکت کند و جرم، مستند به رفتار همه آنها باشد خواه رفتار هریک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنان مساوی باشد خواه متفاوت، شریک

اما چنانچه رفتار ارتكابی منتهی به فوت بزه‌دیده شود و اولیای دم قصد استیفای قصاص از دو شریک را داشته باشند، باید مطابق قواعد عمومی، پیش از اجرای قصاص دیه مازاد بر جنایت را به قصاص‌شوندگان بپردازند و چنانچه صرفاً قصد اجرای قصاص علیه یکی از دو نفر را داشته باشند، شریک دیگر باید بلافاصله سهم خود از دیه را به قصاص‌شونده بپردازد (ماده ۳۷۳ ق.م.ا).<sup>۱</sup> در این فرص ابهامی که ایجاد می‌شود این است آیا شریکی که قصاص نمی‌شود، مشمول مجازات تعزیری مقرر در ماده ۲ قانون تشدید اسیدپاشی قرار می‌گیرد یا خیر؟ همین سؤال در فرضی که یکی از شرکا در جنایت قتل عمد قصاص نشود، جاری است که آیا وی مشمول ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ می‌شود یا خیر؟ به نظر نگارنده در هر دو فرض پاسخ مثبت است و شریکی که قصاص نمی‌شود، افزون بر آنکه باید سهم خود از دیه را به قصاص‌شونده بپردازد، مجازات تعزیری مقرر در ماده ۲ قانون تشدید اسیدپاشی<sup>۲</sup> یا ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ را تحمل خواهد کرد.

همچنین اگر رفتار ارتكابی منتهی به آسیب به عضو شود و حکم به قصاص عضو صادر شود و بزه‌دیده قصد استیفای قصاص عضو دو شریک را داشته باشد، مطابق ماده ۳۷۳ ق.م.ا عمل می‌شود؛ با این توضیح که چنانچه بزه‌دیده بخواهد یکی از شرکا را قصاص کند، شریک دیگری که قصاص نمی‌شود، باید سهم خود از دیه جنایت را به قصاص‌شونده بپردازد، اما اگر بزه‌دیده قصد استیفای قصاص نسبت به هر دو شریک را داشته باشد، باید پیش از اجرای قصاص، دیه مازاد جنایت ایجادشده بر عضو را به قصاص‌شوندگان بپردازد.

### ۳.۳. مجازات معاون

معاون در جرم کسی است که با اقدامات تحریک‌آمیز و تسهیل‌کننده، به مرتکب اصلی در ارتکاب جرم یاری می‌رساند، بی‌آنکه جرم مستند به رفتار وی باشد. بر این اساس چنانچه، (الف)، با پاسخ

---

در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم است. در مورد جرایم غیرعمدی نیز چنانچه جرم، مستند به تقصیر دو یا چند نفر باشد مقصران، شریک در جرم محسوب می‌شوند و مجازات هر یک از آنان، مجازات فاعل مستقل آن جرم است.»

۱. ماده ۳۷۳: «در موارد شرکت در جنایت عمدی، حسب مورد، مجنی‌علیه یا ولی‌دم می‌تواند یکی از شرکا در جنایت عمدی را قصاص کند و دیگران باید بلافاصله سهم خود از دیه را به قصاص‌شونده بپردازند و یا اینکه همه شرکا یا بیش از یکی از آنان را قصاص کند، مشروط بر اینکه دیه مازاد بر جنایت پدیدآمده را پیش از قصاص، به قصاص‌شوندگان بپردازد. اگر قصاص‌شوندگان همه شرکا نباشند، هر یک از شرکا که قصاص نمی‌شود نیز باید سهم خود از دیه جنایت را به نسبت تعداد شرکا بپردازد.»

۲. البته در صورتی که اولیای دم، از شریکی که قصاص نمی‌شود بلاعوض گذشت کنند و به تعبیر ماده ۳ قانون تشدید اسیدپاشی، نسبت به مجازات تعزیری مرتکب نیز اعلام گذشت کنند، این مجازات تعزیری، یک درجه قابل تخفیف است؛ یعنی مجازات تعزیری درجه یک به مجازات تعزیری درجه دو تبدیل خواهد شد.



منفی دختری که مورد علاقه اوست روبه‌رو شود و (ب) وی را تحریک و تشویق کند تا دختر مورد علاقه‌اش را با اسید تهدید به قبول پیشنهاد ازدواج نماید و (الف) اقدام به اسیدپاشی نماید در این صورت، (ب) معاون در جرم اسیدپاشی محسوب می‌شود. قانونگذار در ماده ۱۲۶ ق.م.ا، رفتارهای فیزیکی معاون را بیان و در ماده ۱۲۷، مجازات معاون را تعیین کرده است. قانونگذار در ماده ۴ قانون تشدید اسیدپاشی<sup>۱</sup>، مجازات معاون در این جرم را مستقل از قانون مجازات اسلامی تعیین کرده بود، لیکن با تصویب ماده ۱۵ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در حال حاضر بایستی قائل به نسخ این ماده و حاکمیت ماده ۱۲۷ ق.م.ا، برای تعیین مجازات معاون در جرم اسیدپاشی بود.

بر این اساس و با توجه به نسخ ماده ۴ قانون تشدید اسیدپاشی، چنانچه مجازات قانونی مباشر، قصاص نفس باشد، به استناد بند «الف» ماده ۱۲۷، معاون به حبس تعزیری درجه دو یا سه محکوم خواهد شد، در صورت عدم شمول قصاص بر رفتار مرتکب و محکومیت وی به تعزیر، مجازات معاون بر اساس بند «ت» ماده ۱۲۷، یک تا دو درجه پایین‌تر از مجازات مباشر خواهد بود. لیکن در دو فرض کماکان ابهام وجود دارد؛ اول: اگر رفتار مرتکب موجب آسیب به عضوی از اعضای بزه‌دیده شود، بدون آنکه آن عضو قطع شود مجازات معاون چگونه تعیین خواهد شد؟ بند «ب» ماده ۱۲۷ صرفاً قطع عمدی عضو را مورد اشاره قرار داده است، درحالی‌که ممکن است رفتار مباشر جرم اسیدپاشی مصداق قطع عضو نباشد و موجب آسیب به عضو شود. همین ابهام و چالش در صورتی که مجازات قانونی مباشر، قصاص منفعت باشد، وجود خواهد داشت. به نظر می‌رسد در این خصوص خلأ قانونی وجود دارد و ماده ۱۲۷ در این فرض ساکت است. بنابراین هرچند اقدام قانونگذار در یکپارچه کردن نوع و میزان مجازات معاون در تمامی جرائم، اقدامی است پسندیده، لیکن در این دو فرض ماده ۱۲۷ راهگشا نخواهد بود. به دیگر سخن، نسخ تمامی مصادیق خاص معاونت در جرم اسیدپاشی بدون آنکه ماده ۱۲۷ تمامی فروض را در بر بگیرد، معضلی را به وجود آورده است. بر این اساس به نظر می‌رسد معاون در ارتکاب جرم اسیدپاشی که وصف رفتار مباشر آن جنایت بر عضو باشد، لیکن مصداق قطع عضو نباشد و همچنین مجازات قانونی رفتار مباشر، قصاص منفعت باشد قابل مجازات نیست، مگر

۱. ماده ۴: «مجازات معاونت در جرائم موضوع این قانون به ترتیب زیر تعیین می‌شود:

(الف) در صورتی که مجازات قانونی مرتکب، سلب حیات باشد، به حبس تعزیری درجه دو.

(ب) در صورتی که مجازات قانونی مرتکب، قصاص عضو باشد، به حبس تعزیری درجه سه.

(پ) در صورتی که مجازات مرتکب قصاص نباشد، یا به هر علتی قصاص نفس یا عضو اجرا نشود، به یک درجه پایین‌تر از مجازات تعزیری مرتکب.»

آنکه در فرض اخیر، قصاص منفعت اجرا نشود که در این صورت بر حسب میزان تعزیر فاعل اصلی، معاون به تعزیر یک تا دو درجه پایین‌تر محکوم خواهد شد.

در قانون جزای هندوستان برای معاونت در جرم اسیدپاشی، مقره خاصی وجود ندارد. بر این اساس برای تعیین مجازات معاونت باید به قواعد عمومی باب «معاونت»<sup>۱</sup> رجوع کرد که به تفصیل در مواد ۱۰۷ تا ۱۲۰ این قانون بیان شده است. بر اساس مواد ۱۱۱ تا ۱۱۳ این قانون چنانچه (الف) با تحریک و ترغیب (ب) به اسیدپاشی جزئی، مایع اسید را خریداری و تحویل (ب) بدهد تا وی به قصد زهر چشم گرفتن، آسیب جزئی به (ج) وارد کند اما نحوه اسیدپاشی (ب) به گونه‌ای باشد که به فوت (ج) منجر شود، در اینجا شخص (الف) به مجازات مقرر برای قتل عمد محکوم خواهد شد؛ یعنی در این فرض مجازات معاون به مانند مجازات مباشر تعیین می‌شود. همچنین بر اساس ماده ۱۱۵ قانون جزای هندوستان، چنانچه (الف)، (ب) را تحریک کند تا با اسید مرتکب قتل (ج) شود، اما (ب) این کار را انجام ندهد، چون مجازات این رفتار در صورت تحقق، اعدام یا حبس ابد است، در این فرض معاون به حداکثر هفت سال حبس و جزای نقدی محکوم می‌شود، اما اگر (ب) در نتیجه تحریک (الف)، موجب آسیبی به جز قتل شود، در این صورت معاون به حداکثر چهارده سال حبس و جزای نقدی محکوم می‌شود. علاوه بر این در صورتی که (الف)، (ب) را برای اسید پاشی به عضوی از اعضای مجنی‌علیه تحریک کند و این رفتار تحقق نیابد معاون در این فرض به موجب ماده ۱۱۶، به حداکثر تا یک‌چهارم حبس مقرر برای این جرم یا جزای نقدی به همین مقدار یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

مشابه همین مقررات در قانون جزای پاکستان نیز وجود دارد و مقررات در خصوص معاونت در جرم در مواد ۱۰۷ تا ۱۲۰ وجود دارد و به لحاظ ماهیتی تفاوتی میان مقررات معاونت در جرم در هندوستان و پاکستان وجود ندارد.

### ۴.۳. مجازات شروع به جرم

شروع به جرم وصف مرتکبی است که با گذار از عملیات مقدماتی، گام در مسیر ارتکاب رفتار فیزیکی جرم می‌گذارد، لیکن در میانه راه به واسطه عامل خارج از اراده، ناکام و قصدش معلق می‌ماند. بنا به تأکید ماده ۱۲۳ ق.م.ا «مجرد قصد ارتکاب جرم و یا عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم است و ارتباط مستقیم با وقوع جرم ندارد، شروع به جرم نیست و از این حیث قابل مجازات نمی‌باشد»، بنابراین صرف خرید اسید حتی به قصد ارتکاب جرم در آینده شروع به جرم محسوب نمی‌شود. بر این اساس چنانچه شخصی به قصد قتل، ظرف محتوای اسید را آماده کند و درحالی که آماده پاشیدن اسید است ثالثی از راه برسد و با بر هم زدن تعادل وی، مانع از ریختن

1. Abetment

اسید به قربانی شود، اقدامات مرتکب در مرحله شروع به جرم متوقف مانده است، چون از یک سو وی گام در مرحله عملیات اجرایی نهاده و از سوی دیگر عامل خارج از اراده، مانع از تحقق جرم شده است.

قانونگذار در قانون تشدید اسیدپاشی، اشاره‌ای به مجازات شروع به جرم اسیدپاشی نکرده، از این رو برای تعیین مجازات شروع کننده باید به ماده ۱۲۲ ق.م.ا رجوع کرد. اما این امر با مانع روبه‌روست، چراکه مجازات قانونی اسیدپاشی واحد نیست و بر حسب نتایج حاصل از رفتار، متعدد است. برای نمونه در مثال مذکور، مرتکب را بر اساس کدام یک از بندهای ماده ۱۲۲ باید مجازات کرد؟ آیا صرف اینکه مرتکب، قصد قتل داشته هر چند آسیبی به قربانی وارد نشده است، عمل وی مستند به بند «الف» ماده ۲ قانون تشدید مجازات اسیدپاشی، مشمول بند «الف» ماده ۱۲۲ ق.م.ا و مستوجب محکومیت به حبس درجه ۴ خواهد شد یا اینکه چون در عمل هیچ گونه آسیبی متوجه بزه دیده نشده است باید قدر متیقن را در نظر گرفت و با در نظر داشتن بند «ت» ماده ۲ قانون تشدید مجازات اسیدپاشی، عمل مرتکب را مصداق بند «ب» ماده ۱۲۲ ق.م.ا و موجب محکومیت به حبس درجه ۵ دانست؟ این مورد و مواردی از این دست مصادیقی‌اند که در رسیدگی‌های عملی به جرائم اسیدپاشی در محاکم مشکلاتی را به همراه خواهند داشت و موجب تفاسیر متعدد و متفاوت خواهند شد که نیازمند رفع این نقیصه از سوی قانونگذار است.<sup>۱</sup>

این معضل در صورت ارتکاب جرم عقیم یا محال اسیدپاشی نیز متصور است. برای نمونه اگر شخصی به قصد قتل، ظرفی از اسید را به سمت دیگری پرتاب کند و بپاشد، اما آن شخص به سرعت از مهلکه بگریزد و اسید به وی نرسد و هیچ گونه آسیبی به وی وارد نشود، در اینجا طبق قواعد عمومی مرتکب جرم عقیم شده است که با قیاس اولویت می‌توان رفتار ارتكابی را مصداق تبصره ماده ۱۲۲ ق.م.ا و در حکم شروع به جرم دانست. همچنین اگر مرتکب به تصور آنکه مایع داخل ظرف اسید است و به قصد آسیب به قربانی، مایع را به صورت وی بپاشد ولی به بزه دیده آسیبی وارد نشود یا آنکه اسید را بر شخصی بریزد که وی لباس بسیار ضخیمی پوشیده است یا آنکه اسید را با قصد قتل روی فردی بریزد که پیشتر به علت سکنه قلبی فوت کرده است یا به قصد ایراد آسیب به دیگری مایعی را که خاصیت شیمیایی و اسیدی ندارد به تصور آنکه اسید است به صورت وی بپاشد، رفتار ارتكابی مصداق جرم محال و مشمول تبصره ماده ۱۲۲

۱. در این فرض و همچنین در تمامی جرائمی که مجازات قانونی متعدد یا تخیری است سه رویکرد وجود دارد؛ رویکرد اول، رویکرد تخیری است که به موجب آن به منظور تعیین کیفر شروع به جرم، دادگاه مخیر است تا مطابق یکی از کیفرهای متعدد قانونی عمل کند. مطابق دیدگاه دوم دادگاه مکلف است ملاک را شدیدترین کیفر تخیری مقرر در قانون قرار دهد و بر اساس آن کیفر شروع به جرم را تعیین کند و مطابق دیدگاه سوم ملاک، خفیف‌ترین کیفر قانونی است و مجازات شروع به جرم منطبق با کیفر اقل تعیین می‌شود. برای مطالعه بیشتر ر.ک: صادق‌نژاد نائینی و خانعلی‌پور واجارگاه، ۱۳۹۸: ۱۱۴.

است. همچنین اگر مجازات قانونی رفتار ارتكابی، قصاص عضو یا قصاص منفعت باشد، رفتار شروع‌کننده به جرم اسیدپاشی، قابل مجازات نخواهد بود.

ماده ۳۲۶ ب قانون جزای هندوستان در خصوص شروع به اسیدپاشی بیان می‌دارد: «هر کس عمداً با قصد ایراد آسیب دائمی یا جزئی یا تغییر شکل یا سوختگی، معلولیت یا ازکارافتادگی یا آسیب شدید شروع به اسیدپاشی نماید یا شروع به تزریق اسید به دیگری نماید به پنج تا هفت سال حبس و جزای نقدی محکوم خواهد شد.»

در خصوص شروع به جرم اسیدپاشی در قانون جزای پاکستان مقررۀ افتراقی وجود ندارد و مجازات شروع به اسیدپاشی طبق قاعدۀ عمومی مذکور در ماده ۵۱۱ این قانون تعیین می‌شود. بر اساس این ماده هر شخصی شروع به ارتكاب جرمی کند که مجازات آن طبق قانون جزا حبس ابد یا حبس با مدت معین است به حبس یا جزای نقدی یا هر دو مجازات محکوم می‌شود، با این توضیح که مقدار حبس حداکثر تا یک‌چهارم حداکثر حبس پیش‌بینی‌شده برای آن جرم خواهد بود.

#### ۴. مجازات‌های تکمیلی و تبعی

واکنش در قبال یک رفتار مجرمانه ممکن است افزون بر مجازات اصلی، با مجازات تکمیلی و تبعی نیز همراه باشد. در واقع گاه قانونگذار مبتنی بر سیاست کیفری حاکم، افزون بر مجازات اصلی، مجازات‌هایی را به‌عنوان تکمیل یا متمیم مجازات اصلی یا به تبع مجازات اصلی بر مرتکب تحمیل می‌کند که قواعد حاکم بر آن در مواد ۲۳، ۲۵ و ۲۶ ق.م.ا ذکر شده است و در ذیل امکان اعمال مجازات تکمیلی و تبعی در قبال جرم اسیدپاشی مورد بحث قرار می‌گیرد.

#### ۴.۱. مجازات تکمیلی

همانگونه که پیشتر بیان شد مجازات‌های قابل اعمال در قبال جرم اسیدپاشی از جنس مجازات‌های حدی، مستوجب قصاص و تعزیر است. بنابراین، امکان محکومیت مرتکب جرم اسیدپاشی به مجازات تکمیلی مطابق ماده ۲۳ ق.م.ا وجود دارد، چراکه قانونگذار در این ماده بیان می‌دارد: «دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری محکوم کرده است، با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی بندها و تبصره‌های این ماده محکوم نماید...».

#### ۲.۴. مجازات تبعی

مجازات تبعی ناظر بر حقوق اجتماعی افراد است و محکومیت به مجازات تبعی به معنای محرومیت موقتی فرد از حقوق اجتماعی است که این حقوق در ماده ۲۶ ق.م.ا ذکر شده‌اند. این قسم از مجازات، بر خلاف مجازات تکمیلی، بدون ذکر در دادنامه به صورت خودکار بر مرتکب تحمیل می‌شود.

بر اساس ماده ۲۵ ق.م.ا و با انطباق قانون تشدید اسیدپاشی بر قواعد حاکم بر مجازات تبعی باید گفت در صورتی که رفتار ارتكابی مرتکب جرم اسیدپاشی منتهی به سلب حیات بزه‌دیده شود و مرتکب به قصاص نفس محکوم شود، لیکن به علت گذشت شاکی قصاص نفس اجرا نشود، مرتکب از تاریخ توقف اجرای حکم به هفت سال محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم می‌شود. لیکن در صورت فوت بزه‌دیده و عدم امکان صدور حکم به قصاص نفس به دلیل فقدان یکی از شرایط عمومی قصاص یا عدم امکان اجرای قصاص به دلیل گذشت اولیای دم یا موارد مذکور در مواد ۳۰۲ و ۳۰۳ ق.م.ا، در این صورت از آنجا که مجازات قانونی حبس تعزیری درجه یک است، مدت محرومیت از حقوق اجتماعی، سه سال خواهد بود.

لیکن در صورتی که رفتار مرتکب به آسیبی به عضو بزه‌دیده منتهی شود و مجازات تعیین شده قصاص عضو باشد، بر حسب آنکه میزان دیه عضو آسیب‌دیده بیش از نصف دیه مجنی‌علیه باشد یا به اندازه نصف دیه یا کمتر از آن باشد، مرتکب به ترتیب به سه سال و دو سال محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم خواهد شد. لیکن در صورت محکومیت مرتکب به قصاص منفعت ظاهراً مجازات تبعی در انتظار وی نخواهد بود.

همچنین در صورتی که بزه اسیدپاشی منتهی به تغییر شکل دائمی صورت بزه‌دیده شود، از آنجا که مجازات قانونی و قضایی حبس درجه یک است، مرتکب سه سال از حقوق اجتماعی محروم خواهد بود. همچنین در فروض مذکور در بندهای «ب»، «پ» و «ت» ماده ۲ قانون تشدید اسیدپاشی، مدت محرومیت از حقوق اجتماعی به استناد بند «ب» ماده ۲۵، سه سال خواهد بود.

#### ۵. نتیجه

اسیدپاشی به عنوان یکی از اشکال جنایات و خشونت در کشورهای در حال توسعه رواج دارد. بزه‌دیده این جرم در عمده موارد زنان و دختران هستند. این تحقیق با اتخاذ رویکرد مطالعه تطبیقی و با انتخاب دو کشور هندوستان و پاکستان به عنوان دو کشوری که نرخ بالایی از جرم اسیدپاشی در آن به وقوع می‌پیوندد، در تلاش است تا نقاط ضعف و قوت قوانین جزایی این دو

کشور را در مقایسه با ایران استخراج کند تا بتواند مبنایی برای اصلاحات بعدی در قوانین موضوعه باشد.

قانون تشدید مجازات اسیدپاشی مصوب ۱۳۹۸ ایران در مقایسه با قانون مربوط به مجازات پاشیدن اسید مصوب ۱۳۳۷ واجد نوآوری‌هایی است که گویای التفات قانونگذار به اقتضانات حیات اجتماعی و به‌ویژه نیازهای بزه‌دیده است؛ امری که نوید تدوین یک سیاست جنایی جامع در قبال پدیده شوم و غیرانسانی اسیدپاشی را می‌دهد.

تصریح به رفتارهای فیزیکی مشمول اسیدپاشی در نظام جزایی هندوستان و پاکستان و همچنین تأکید بر علم به‌عنوان جایگزین قصد در مقایسه با قانون تشدید مجازات اسیدپاشی ایران از نقاط قوت قوانین این دو کشور است. رویکرد حمایت از بزه‌دیده در قانون تشدید مجازات اسیدپاشی ایران به‌خوبی جلوه‌گر است، این در حالی است که در قانون جزای هندوستان این امر در بحث تعیین جزای نقدی، «صندوق جبران خسارت بزه‌دیده»<sup>۱</sup> و الزام تمامی بیمارستان‌های دولتی و خصوصی به ارائه کمک‌های اولیه و درمان پزشکی رایگان و گزارش به پلیس مورد توجه قرار گرفته است و در قانون جزای پاکستان هیچ مقرره‌ای مبنی بر حمایت از بزه‌دیدگان این جرائم وجود ندارد. عدم پیش‌بینی حضور و نقش‌آفرینی سازمان‌های مردم‌نهاد برای حمایت از بزه‌دیدگان این جرائم<sup>۲</sup> از جمله ضعف‌های قوانین سه کشور است که ضروری است از سوی قانونگذاران مورد توجه قرار گیرد.

## منابع

### الف) فارسی

۱. اکرمی، روح‌الله و شریفی، فاطمه (۱۳۹۹). مطالعه تطبیقی جرم اسیدپاشی در حقوق ایران و بنگلادش. فصلنامه قضاوت، ۱۰۳، ۱۷-۳۹.
۲. الهام، غلامحسین و برهانی، محسن (۱۴۰۱). درآمدی بر حقوق جزای عمومی (جرم و مجرم). ج ۱، تهران: میزان.
۳. ابراهیمی، مرضیه و میرحسینی، زهرا (۱۳۹۶). مطالعه زمینه‌ها و انگیزه‌های اسیدپاشی در بستر مناسبات جنسیتی و نابرابری‌های اجتماعی. مجله تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی، ۴، ۱-۳۹.
۴. آقائی‌نیا، حسین (۱۳۹۹). جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص (جنایات). چ هجدهم، تهران: میزان.

### 1. Victim Compensation Fund

۲. برای مطالعه بیشتر در این خصوص ر.ک:

Welsh, Jane (2009). A Comparative Exploration of Acid Attack Violence, A thesis submitted to the faculty of the University of North Carolina, pp 43-51.

۵. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۲). تحلیل بزه‌دیده‌شناسانه اسیدپاشی با نگاهی به پرونده آمنه بهرامی نوا. پژوهش حقوق کیفری، ۲(۴)، ۹-۳۲.
۶. روستایی صدرآبادی، حمید و مرسی، هادی (۱۴۰۱). رویکرد حمایتی حقوق کیفری ایران در قبال بزه‌دیدگان اسیدپاشی (با تأکید بر قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن). فصلنامه مجلس و راهبرد، ۲۹(۱۰۹)، ۱۴۷-۱۷۳.
۷. زراعت، عباس (۱۳۹۲). حقوق جزای اختصاصی (۱). تهران: فکرسازان.
۸. زندی، محم رضا و اوچاقلو، صالح (۱۳۹۵). مطالعه بزه اسیدپاشی و سیاست کیفری ایران در قبال آن و راهکارهای پیشگیری از آن با نگاهی بر قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲. ماهنامه قضاوت، ۸۶، ۵۱-۷۹.
۹. صادق‌نژاد نائینی، مجید و خانعلی‌پور واجارگاه، سکینه (۱۳۹۸). چالش‌های پیش‌روی تعیین کیفر شروع به جرم در جرائم با کیفرهای متعدد و تخییری در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲. مجله حقوقی دادگستری، ۸۳، ۹۹-۱۱۸.
۱۰. عارفی، مرتضی (۱۴۰۰). درآمدی بر جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم: ماهیت و شیوه‌های ارتکاب. آموزه‌های حقوق کیفری، ۲۱، ۱-۲۹.
۱۱. عارفی، مرتضی (۱۴۰۱). متمم قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۲. محبی، جلیل، خانعلی‌پور واجارگاه، سکینه (۱۳۹۷). اظهارنظر کارشناسی درباره «طرح تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن». تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ص ۳۱-۱.
۱۳. مظاهری، امیرمسعود (۱۳۹۵). نقدی بر کیفر تعیین‌شده برای جرم اسیدپاشی. دوفصلنامه رویه قضایی (حقوق کیفری)، ۲، ۹-۱۸.
۱۴. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۹). جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص. چ بیست‌ونهم، تهران: میزان.
۱۵. نظری توکلی، سعید و کراچیان ثانی، فاطمه (۱۳۹۹). اجرای مجازات قصاص در جرم اسیدپاشی. فصلنامه مجلس و راهبرد، ۲۷(۱۰۳)، ۱۱۳-۱۳۲.

#### ب) انگلیسی

16. Atiyeh, B., s, Costagliola, M., & Hayek Shady, N. (2009). Burn Prevention Mechanisms and Outcomes: Pitfalls, Failures and Successes. *Burns* 35, 181-193.
17. Avon Global Center for Women and Justice at Cornell Law School, (2011). Combating Acid Violence in Bangladesh, India and Cambodia, pp 1-72.
18. Biswas, M. (2018). Comparative Situation Analysis of Aid Attack Scenario in Southern and Eastern Regions of India. *International Journal of Research Culture Society*, 2(2), 311- 323.
19. Calcini, G. (2022). Acid Attacks: An Overview of Legal Measures and Motivation Trends in India, Pakistan, Bangladesh, Colombia and Cambodia . *Dignity: A Journal of Analysis of Exploitation and Violence*, 7(4),1-18.

20. Dubey, N. P. (2015). Acid violence cases and its forensic aspect. *Editorial Board*, 82.
21. Kaur, N., & Kumar, A. (2020). Vitriolage (vitriolism) – a medico-socio-legal revi. *Forensic Science, Medicine and Pathology*, 16(3), 481- 488.
22. Kumar, V. (2021). *Acid Attacks in India: A Socio-Legal Report*. Dignity, Vol.6.
23. UN Women, (2012). "Supplement to the Handbook for Legislation on Violence against Women: "Harmful Practices" against Women".
24. Welsh, J. (2009). A Comparative Exploration of Acid Attack Violence. a thesis submitted to the faculty of the University of North Carolina.
25. **The Pakistan Penal Code**, 1860, Last Amended on 2017-02-16.
26. **The Indian Penal Code**, 1860. Last Amended on 2013.